

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/04/16



موضوع: کتاب الطهارة/تغسیل المیت /مسألة 14 و 15 و 16 و 17 و 18 و 19 و 20 از  
مسائل مربوط به غسل میّ میت

مسألة چهاردهم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ۱۴ : مس المیت ینقض الوضوء فیجب الوضوء مع غسله.<sup>[1]</sup> سید طباطبایی یزدی  
می‌فرماید اگر کسی میتی را مس کن کند قبل از بروود و قبل از تغسیل مناقض وضو  
هست و موجب وضوء می شود. فیجب الوضوء مع غسله وضو برآن شخص واجب هست با  
غسل مس میت.

دو نظریه و قول و أدلة آنها

در این رابطه به این نکته توجه کنید که اولاً چرا وضو لازم است دلیل وجوب وضو چیست ؟ و  
ثانیا اگر غسل انجام گرفت مگر غسل از انجام وضو کفایت نمیکند این دو نکته را باید توجه  
کنیم

نکته اول: وضو واجب است گفته میشود که نصوصی که آمده است دلالت و ظهور دارد بر  
اینکه مس میت حدث است مس میت مثل احد النواقض است یک حدثی است . هر حدثی  
طبیعتا وضو می‌طلبد چون خود مس حدث هست به طور طبیعی موجب وضو میشود اگر  
گفته شود بله حدث است ولی رفع این حدث در نصوص اعلام شده است که غسل است

حدثی هست و رافع آن غسل هم غسل مس میت است دیگر وضو چه دلیلی دارد؟ در جواب گفته میشود وضو برای این است که هرکجا که در اعمال و عبادات غسل لازم باشد کل غسل معه الوضو. قاعده کلی این هست که در هر وضویی غسل لازم است مگر در غسل جنابت جایی که استثناء نشده باشد و غسل باشد و رفع حدث وضو میطلبد این آخرین استدلالی است که ممکن است برای اثبات این متن گفته شود هرچند در مقابل گفته میشود اولاً و ثانیاً. اولاً: نقض وضو نیاز به دلیل دارد بلکه میتوان گفت که مس میت ناقض وضو نیست برای اینکه نواقض وضو فقهاً تعیین شده است و منحصر است به همان مواردی که در فقه آمده است مس میت جزو نواقض نیست. ثانیاً: بنابر فتوای و رأی سیدنا الاستاد که وضو از غسل کفایت میکند نه تنها من حیث التحلیل غسل از وضو کفایت میکند که در نصوص ابواب غسل آمده است. متن حدیث: وعنه، عن فضالة، عن حماد بن عثمان، عن حکم بن حکیم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن غسل الجنابة (إلى أن قال: قلت: إن الناس يقولون: يتوضأ وضوء الصلاة قبل الغسل، فضحك وقال: وأي وضوء أنقى من الغسل وأبلغ. [2] روایت دیگر: محمد بن الحسن، عن المفید، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد، عن الحسين (الحسن ح ل) بن سعيد و محمد بن خالد جميعاً عن عبد الحمید ابن عواض، عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: الغسل يجزي عن الوضوء وأي وضوء أطهر من الغسل. [3] حدیث معروف و معتبر وأي وضوء أنقى من الغسل وأبلغ. کدام طهارت آنقى پاکتر از غسل است که به تعبیر عوام چون که صد آمد نود در پیش ماست بنابراین این دو تا قول و دلیل برای شما یادآور شدم و عنایت کنید که در نتیجه اعلام میشود که وضو در این رابطه به عنوان احتیاط اعلام میشود برای اینکه هردو وجه که ملا حظہ کنیم به عنوان یک وجه درست هست اما یک دلیل معتبری و مدرک متقنی که قطعاً این جا وضو لازم باشد یا اصلاً عکسش وضو لازم باشد در اختیار نداریم بنابراین وضو به عنوان یک احتیاط وجوبی اعلام میشود اصف الی ذلک آنچیزی که اضافه میکنید این است که در تحقیقی که در باب اغسال داشتیم فقط غسل جنابت از وضو کفایت میکند! بقیه اغسال کفایتش از وضو ساقط نیست مضافاً براینکه برمبنای سیدنا الاستاد هر غسلی که واجب است از وضو کفایت میکند که شرحش را دادیم منتهی تحقیقی که درباره وضو آمده فقط غسل جنابت است که بطور قطعی اجماعاً از وضو کفایت میکند بقیه اغسال یا وضو لازم دارد یا وضو مورد احتیاط است این نکته ها را که در نظر گرفتیم فتوایی که میشود در این رابطه اعلام کرد این است مس میت موجب غسل و وضو میشود علی الاحوط.

مسألة پانزدهم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ۱۵: کیفیت غسل المس مثل غسل الجنابة، إلا أنه يفتقر إلى الوضوء أيضاً. [4] کیفیت غسل مس میت مثل غسل جنابت است فرقی در این رابطه دیده نمیشود برای اینکه اولاً غسل همه از یک سنخ هستند در بحث اغسال دیدیم سنخ اغسال فرق نمیکند در بحث غسل پس از آنکه یک غسل واجب شد همان شکل واحدی دارد ترتیبی اش ترتیبی هست و ارتماسی اش ارتماس است. از سنخ واحداًند بلا شبهة و بلا اشکال مضافاً بر این روایت صحیحة ای داریم از محمد بن مسلم. متن روایت: ویاسناده عن محمد بن عیسی بن عبید،

عن حماد بن عیسی، عن حریر، عن ابن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من غسل ميتا وكفنه اغتسل غسل الجنابة. [5] وَ يَأْسِنَادُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيرٍ عَنِ ابْنِ مُسْلِمٍ: اسناد شیخ به محمد بن عیسی بن عبید که از اجلا و ثقات است صحیح و درست است عن حماد بن عیسی از اصحاب اجماع است عن حریر از اجلا. وثقات عن محمد بن مسلم که فوق توثیق است حدیث صحیح است هر چند سید الحکیم این حدیث را مصححه فرمودند من وجه اش را نفهمیدم چرا مصححه فرموده است حدیث صحیح است.

### فرق بین صحیح و مصححه

صحیح آن است که تمامی روات توثیق خاص داشته باشد . مصححه: آن است که بعضی از روات توثیق خاص ندارد ولی با عمل اصحاب کائما توفیق عملی دارد میشود مصححه در هر سر سند صحیح است.

در هر سر سند صحیح است و در این روایت آمده است عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا وَ كَفَّنَهُ اغْتَسَلَ غُسلَ الْجَنَابَةِ. در این روایت آمده است مضافاً بر اینکه همه‌ی اغسال از یک سنخ هستند در این نص صحیح غسل مس میت را فرموده اند که مثل غسل جنابت انجام بدهد با همان شکل و ساختار . در متن این حدیث إِنْ قَلْتِيْ كَفَّنْتِيْ كَفَّنْتِيْ غُسلَ الْجَنَابَةِ بَشُودِ ان قَلْتِيْ در کار نباشد اشکال این است که مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا وَ كَفَّنَهُ اغْتَسَلَ غُسلَ الْجَنَابَةِ گفته میشود که پس از کفنه یعنی کسی که پس از غسل میت را کفن کند طبیعتاً میت تغسیل شده است در اینجا زمینه برای غسل وجود ندارد این را گفته اند که حمل بر استحباب بکنیم اما تحقیق این است که این متن مطلب را در جهت غسل مس میت اعلام میکند مَنِ غَسَلَ مَيِّتًا جَوَابِ سَوَالِ مَقْدَرِيْ است که مس میت برای فرد مکلف چه دارد غسل مس میت دارد اما اگر کسی میت را غسل میدهد خود این فردی که میت را غسل میدهد مس میکند میت را در ابتدا که میت غسل داده نیست مس میکند آن مس چه حکمی دارد؟ میفرماید مَنِ غَسَلَ مَيِّتًا وَ كَفَّنَهُ اغْتَسَلَ غُسلَ الْجَنَابَةِ این و کفنه عبارت تکمیلی هست بیان یک حقیقت عملی کسی که غسل و کفن برای میت تنظیم میکند ان هم مس بکند مس اش غسل مس میت دارد ظاهراً در متن هم اشکالی دیده نمیشود این مطلب تا اینجا واضح بود

### مسألة شانزدهم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ١٦ : يجب هذا الغسل لكل واجب مشروط بالطهارة من الحدث الأصغر ، ويشترط فيما يشترط فيه الطهارة. [6] میفرماید: که واجب است این غسل یعنی غسل مس میت برای هر عمل واجبی که مشروط بالطهارة باشد کدام طهارت ؟ طهارت از حدث اصغر یعنی وضو ویشترط فيما يشترط فيه الطهارة و شرط است در هر آن چیزی و عملی که شرط باشد در آن طهارت مثل طواف مس کتابت قرآن و مس اسماء الله.

## أدله اثبات وجوب شرطی

این مسئله را عنایت کنید که در حقیقت وجوب غسل مس میت وجوب نفسی نیست بلکه وجوبش شرطی هست منظور از وجوب نفسی که معلوم هست اما وجوب شرطی معنایش این است که اگر مشروطی در کار نباشد یا انجام مشروط در واقع وجود نداشته باشد برای این شرط الزامی در کار نیست فقط برای انجام مشروط این امر واجب میشود در این صورت که میفرماید وجوبش شرطی هست دلیل ما چه میتواند باشد به عبارت دیگر ادله اثبات وجوبش شرطی چیست؟

أولاً: اتفاق نقل شده است که مسئله قریب به اجماع هست حداقل نفی خلاف اعلام میشود که این وجوب وجوب شرطی هست نه وجوب نفسی

ثانیاً: اصل لحنی که این در روایت و نصوص آمده است لحن اش ارشاد به شرطیت است که اعلام میکند برای نماز برای اعمال عبادی غسل مس میت انجام بدهید مثل همان نصوصی که اعلام میکند ثوب متنجس را تطهیر کنید که ارشاد به نجاست دارد و اینجا هم ارشاد به شرطیت دارد نصوص لحن اش از این قرار است.

نص مؤید برای این مطلب

متن روایت: وفي (عيون الأخبار) وفي (العلل) بأسانيده عن الفضل بن شاذان، عن الرضا عليه السلام قال: إنما أمر من يغسل الميت بالغسل لعل الطهارة مما أصابه من فضح الميت لان الميت إذا خرج منه الروح بقي منه أكثر آفته. [7] نقل شيخ صدوق هست. این لَعْلَةُ الطَّهَارَةِ را که گفت شرطی شد شرط است نه اینکه نفسی باشد اگر نفسی باشد که علت طهارت نمیخواهد. متن روایت دیگر: وبأسانيده عن محمد بن سنان، عن الرضا عليه السلام قال: وعلّة اغتسال من غسل الميت أو مسه الطهارة لما أصابه من فضح الميت، لان الميت إذا خرج منه الروح بقي أكثر آفته، فلذلك يتطهر منه ويطهر. [8] وَ عَلَّةُ اغْتِسَالِ مَنْ غَسَلَ الْمَيِّتَ أَوْ مَسَّهُ الطَّهَارَةُ. پس از آنکه طهارت را به عنوان علت بیان کرد دیگر شرطی است طهارت هست و شرط عبادت.

مؤید دیگر از نصوص: وإذا اغتسلت من غسل الميت، فتوضأ ثم اغتسل كغسلك من الجنابة، وإن نسيت الغسل فذكرته بعد ما صليت، فاغتسل وأعد صلاتك. [9] این مطلب را که گفتیم دیگر هم از نصوص کتاب فقه الرضا. در این کتاب فقه الرضا که منسوب به مولی امام رضا علیه السلام هست آمده است و اذا اغتسل . تا اینجا میفرماید وإن نسيت الغسل فذكرته بعد ما صليت، فاغتسل وأعد صلاتك این قسمت محل استشهاد ماست وَإِنْ نَسِيتَ الْغُسْلَ فَذَكَرْتَهُ بَعْدَ مَا صَلَّيْتَ فَأَغْتَسِلْ وَ أَعِدْ صَلَاتَكَ . وضو دلالت دارد بر اشتراط صلات به این طهارتی که غسل باشد که میفرماید اگر غسل فراموش کردی و نماز خواندی بعد از نماز یاد آمد که غسل انجام نگرفته است. بعد غسل کن و نمازت را اعاده کن. بنابراین از نظر سند هم مکرر گفته ایم که فقه الرضا خالی از اعتبار نیست برعکس آنچه اشتهاار یافته است که اعتبار برای این که کتاب و روایات اعلام نمیکند **على التحقيق گفته شد این روایات و این**

نصوص خالی از اعتبار نیست بنابراین فقها از این روایات استفاده میکنند **علی الاقل** موید برای مطلب خواهد بود در نتیجه نفی خلاف یا اتفاق فقها با نصوصی که در این رابطه داشتیم به این حقیقت ما را رساند که این فتوایی که گفته شده است که هذا الغسل يجب لكل واجب مشروط بالطهارة درست است بلا شبهة

مسألة هفدهم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ۱۷ : يجوز للماس قبل الغسل دخول المساجد والمشاهد والمكث فيها وقراءة العزائم ووطؤها إن كان امرأة ، فحال المس حال الحدث الأصغر إلا- في إيجاب الغسل للصلاة ونحوها. [10] می‌فرماید که برای کسی که غسل مس میت به عهده اش آمده است این فردی که الان محدث است در حقیقت یک محدث به حدث اصغر است مُحدث به حدث أكبر نیست نه جنب هست و نه حیض مس میت مس با دست نه جنابت می آورد و نه حیض یک حدثی است این حدث حکم خودش را دارد. برای عملی که مشروط به طهارت است باید غسل و وضو انجام بدهند بقیه اعمال مترتب است به جنابت و حیض اختصاص به آن دو مورد دارد ربط به غسل مس میت ندارد مس میت حدث اصغر است بلا شبهة و لا اشکال. منتهی تعبداً رفع این حدث أصغر فقهاً و انجام غسل اعلام شده است که این حدث اصغر مثل ناقض نیست که با یک وضو رفع بشود باید غسل هم انجام بگیرد این یک حکم خاصی است که درباره این حدث آمده است مطلب دیگری اصلاً در کار نیست من الأساس از اساس دلیلی بر منع از دخول در مساجد و قرائت عرائم غیرهما از اساس دلیلی نداریم

مسألة هیجدهم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ۱۸ : الحدث الأصغر والأكبر في أثناء هذا الغسل لا- يضر بصحته نعم لو مس في أثناءه ميتاً وجب استئناؤه. [11] این مطلب را در ابواب غسل هم گفتیم اگر در ذهن شریفتان سپرده باشید که گفته میشد اگر در اثناء غسل حدثی سر بزند غسل را ادامه بدهد یا از سر بگیرد؟ گفته میشد فتوا همین است که در اثناء غسل اگر حدثی سر بزند آن حدث ضرری به آن غسل نمیزند غسل کامل کند این مطلبی بود که گفته شده بود این جا هم میفرمایند الحدث الأصغر والأكبر في أثناء هذا الغسل لا يضر بصحته به صحت این غسل صدمه ای وارد نمیکند اما اگر خود سبب تکرار بشود سبب مس میت بود این مس میت اگر تکرار بشود در وسط در اثناء غسل اگر مس مجددی صورت بگیرد میفرماید نعم لو مس في أثناءه ميتاً وجب استئناؤه. براساس تحقق سبب که سبب مس بود آن مس اولی در حال غسل میخواست رفع بشود که دوباره مس صورت گرفت قاعدتاً باید طبق اقتضاء سبب مسبب از ابتداء انجام بگیرد تا برائت کامل حاصل بشود والا. قاعده اشتغال میگوید برائت در اتمام حاصل نمیشود برائت در استیناف هست این مطلبی هست که گفته شده و در بحث اغسال گفته شد.

**تحقیق استاد**

اما تحقیق چه بود اگر به ذهن سپرده باشید تحقیقی این بود در اثناء غسل اگر حدثی سر

بزند چون غسل خودش عمل رافع حدث هست صدمه به خود آن رافع میزند خود رافع، رافع کامل نیست مخصوصاً اگر حدث اکبری به وجود بیاید بنابراین شک در رافعیت رافع چه بود یعنی رافعیت متحقق نشده است خود رافع اگر صدمه بینید تحقق اش قطعی نیست و تحصیلش مورد شک قرار میگیرد **أحوط وجوبی** این است که در اثناء اگر حدثی سر بزند باید استیناف شود وضو یا غسل از نو و ابتدا انجام بگیرد

مسألة نوزدهم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ۱۹ : تکرار المس لا. یوجب تکرار الغسل ولو كان الميت متعدداً كسائر الأحداث. [12]  
این مطلب واضح است جای بحث ندارد مثلاً. فرض کنید یک ناقض وضو و یک حدث اصغر خواب هست اگر یک نوبت مکلف بخوابد ناقض وضو به عمل آمده است بیدار بشود نوبت دوم بخوابد نوبت سوم . سه بار خواب و بیدار یک ناقض هست دیگر ناقض تکرار نمیشود که بگوییم الان این مکلف وظیفه دارد سه بار خواب و بیدار شده است سه بار وضو بگیرد چنین چیزی در کار نیست بنابراین اگر کسی میت را مس کند یکبار و دو بار و سه بار یا و دو سه تا میت را مس کند مس واحدی است مس واحد یعنی یک حدث اصغر این حدث اصغر با تکرار تعدد نمیکند یک نوع نوبت که محقق شد او آن حدث اثر دارد حدث های دیگر که قبل از غسل تکرار بشود تاثیر گزار نیست چیزی واضحی است که اشکالی در کار ندارد

مسألة بیستم از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ۲۰ : لا. فرق في إيجاب المس للغسل بين أن يكون مع الرطوبة أو لا ، نعم في إيجابه للنجاسة يشترط أن يكون مع الرطوبة على الأقوى ، وإن كان الأحوط الاجتناب إذا مس مع اليبوسة خصوصاً في ميت الإنسان ، ولا فرق في النجاسة مع الرطوبة بين أن يكون بعد البرد أو قبله ، وظهر من هذا أن مس الميت قد يوجب الغسل والغسل كما إذا كان بعد البرد وقبل الغسل مع الرطوبة ، وقد لا يوجب شيئاً كما إذا كان بعد الغسل أو قبل البرد بلا رطوبة ، وقد يوجب الغسل دون الغسل كما إذا كان بعد البرد وقبل الغسل بلا رطوبة ، وقد يكون بالعكس كما إذا قبل البرد مع الرطوبة. [13] میفرماید که در مورد مس و ایجاب غسل فرق نمیکند که مس میت با رطوبت باشد یا با دست خشک و بدون رطوبت خود مس موضوع حکم هست ولی اگر طهارت و نجاست در نظر گرفتیم که دستی که میت را مس کرده است نجس شده باشد متنجس شده باشد یا متنجس نشده باشد در این صورت طبیعتاً رطوبت نقشی دارد اگر مس میت با رطوبت صورت بگیرد موجب تنجیس میشود یعنی دستی که مس کرده متنجس است اما اگر با یبوست و حالت خشک مس کرده باشد موجب تنجیس نمیشود دست نجس نشده سید میفرماید که علی الاقوی این است چرا برای اینکه فقهاً قوی یا رأیی هست بر اینکه دست زدن به بدن میت موجب تنجیس میشود ولو این نجاست بدن رطوبت نداشته باشد چرا؟ برای اینکه اعلام میشود این تنجیس در حقیقت نجاست حکمیه است نه نجاست حقیقیه و واقعیه در صورتی که نجاست حکمیه بود بعبارت کوتاه اولاً حقیقیه و حکمیه شرح مسئله برای فردا.

سلامتی آقا امام زمان صلوات

- 
- [1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.
- [2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 1، ص 515، أبواب الجنابة. عدم جواز الوضوء مع غسل الجنابة قبله ولا بعده، باب 34، ح 4، ط الإسلامية.
- [3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 1، ص 513، أبواب الجنابة. أن كل غسل يجزى عن الوضوء، باب 33، ح 1، ط الإسلامية.
- [4] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.
- [5] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 2، ص 928، أبواب غسل المس. وجوب الغسل بمس ميت الآدمي بعد برده وقبل غسله وكراهة مسه حينئذ. باب 1، ح 6، ط الإسلامية.
- [6] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.
- [7] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 2، ص 929، أبواب غسل المس. وجوب الغسل بمس ميت الآدمي بعد برده وقبل غسله وكراهة مسه حينئذ. باب 1، ح 11، ط الإسلامية.
- [8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 2، ص 929، أبواب غسل المس. وجوب الغسل بمس ميت الآدمي بعد برده وقبل غسله وكراهة مسه حينئذ. باب 1، ح 12، ط الإسلامية.
- [9] فقه الرضا، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ج 1، ص 175.
- [10] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.
- [11] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.
- [12] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.
- [13] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 277.